

بسم الله الرحمن الرحيم

ورود به ماه پربرکت رمضان بر همه آنان که دل در گرو حق دارند و تقوی و پرهیزکاری را بزرگترین مایه آزادی و نیز راهگشا به سوی «فلاح» و نیک بختی دائم می‌دانند، از جمله بر زنان مسلمان نواندیش و شرکت‌کنندگان در گردهم‌آبی این جمعیت مبارک باد!

بخش‌های گوناگون جامعه، هرکدام درگیر مسأله‌ها و مشکل‌ها و رویارو با فرصت‌ها و امکان‌های ویژه‌اند و گشودن گره دشواری‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌ها نیز در هر بخش راه‌حل‌ها و راهکارهای ویژه خود را می‌طلبند.

زنان که بیش از نیمی از جمعیت کشور و ملت‌اند به دلایل و اسباب تاریخی و اجتماعی و کژتابی‌های فرهنگی و ذهنی دارای مشکلات مضاعف‌اند و در بررسی و یافتن راه‌حل آنها، زنان اندیشمند و مسؤولیت‌شناس اولی و احق‌اند؛ ولی این مهم نیازمند همکاری و همفکری همگان، اعم از زن و مرد، بخصوص نخبگان جامعه از روحانیون روشن‌بین، دانشگاهیان، پژوهشگران و کنش‌گران سیاسی و اجتماعی است.

اما در نظر داشته باشیم که فرا و ورای مسائلی بخشی، امور و مسائلی وجود دارد که به کل جامعه مربوط است؛ امور و مسائلی که برای مسائلی بخشی حکم زیربنایی دارد و اگر حل شود، حل مسائلی بخشی آسان‌تر است. در نتیجه اهمیت این‌گونه مسائل بیشتر و پرداختن به آنها از اولویت و فوریت برخوردار است، بی‌آنکه از مشکلات و مسائلی بخشی غفلت شود.

بارها گفته‌ام و تکرار می‌کنم که برای جامعه ما (و جوامعی مانند ما) بلکه به یک معنی، برای بشریت و تاریخ، "استبداد" و "استبدادزدگی" عامل نگونسازی بوده است و آیین و اندیشه در دام این هیولا به بند کشیده شده است و کرامت انسان پایمال و راه برخورداری از آزادی و دستیابی به حقوق اساسی و امکان خلاقیت انسان‌ها بسته شده است و با کمال تأسف در بخش اخیر تاریخ، استعمار

(به معنای عام کلمه) مزید بر علت شده است و بر تأثیر و تأثر متقابل استبداد و استعمار بر نگونسازی ما افزوده است.

در درک این مشکل بزرگ و نیز مسؤولیت نسبت به حل و رفع آن زن و مرد شریک‌اند و باور به حاکمیت انسان (اعم از زن و مرد) بر سرنوشت خود و تأمین راه‌های تحقق و استقرار آن فوری‌ترین امری است که باید مد نظر قرار گیرد و در ذیل آن آزادی‌های اساسی، تأمین حق و حرمت همه طبقه‌ها، بخش‌ها، قوم‌ها و ... و بالاخره آبادانی و پیشرفت و استقلال و عدالت و اخلاق در جامعه تأمین خواهد شد.

انقلاب بزرگ و فراجیر اسلامی از جمله حرکتی دوران ساز بوده است برای رهایی از این مصیبت ریشه‌دار تاریخی و آزاد کردن نیروی شگرف ملت برای تعیین سرنوشت خود و برقراری یک زندگی خوب در سایه حاکمیتی بهینه و سیر به سوی جایگاه بلندی که شایسته شأن و مرتبت والای این ملت است.

ناگفته نماند که انقلاب اسلامی این امتیاز را داشته است که علاوه بر عطف توجه به دردها و بیماری‌های مصیبت‌بار تاریخی، به هویت تاریخی و جنبه معنوی حیات آدمی (و به طور خاص انسان ایرانی) اهتمام داشته است و می‌خواسته (و می‌خواهد) که افزون بر رعایت همه معیارها و موازین، خردمندان در استقرار حکومت خوب و حاکمیت بهینه، معیارها و ارزش‌های الهی-انسانی که در رأس آنها حرمت و عزت انسان در عرصه حیات اجتماعی و تأمین عدالت همه جانبه و مزین بودن به زینت اخلاق و فضیلت‌ها (اعم از فضیلت‌های فردی و مدنی) نیز مورد اهتمام باشد.

اینک در آستانه انتخابات دیگر (در واقع چند انتخاب) قرار داریم.

انتخاب کردن حق مردم و به یک معنی وظیفه (مدنی) آنان است. گرچه نمی‌توان انتخابات به هر شکل و شیوه را عین مردم‌سالاری دانست، ولی اولاً بارزترین جلوه آن است و راه حکومت‌ها و نظام‌های استبدادی و غیراستبدادی از جمله در انتخابات (به معنی واقعی آن) جدا می‌شود.

ثانیاً شرکت یا عدم شرکت مردم در انتخابات امری نیست که صرفاً با توصیه و نصیحت (یا امر و نهی) محقق شود، بلکه باید زمینه‌های عینی آن فراهم آید و بیش و پیش از همه این حاکمیت است که باید زمینه‌ها را فراهم آورد.

مردم آگاه و رشید نیاز به قیم ندارند. طبیعی است که شرط و قیدهایی هست که هم در انتخاب شونده‌گان و هم انتخاب کنندگان باید رعایت شود، ولی این شرایط به هیچ وجه نباید نقض‌کننده موازین انتخابات آزاد باشد و نیز نظارت بر آن که امری لازم است به هیچ وجه نباید منافی حق انتخاب مردم و به صورت اعمال قیومیت بر آنان باشد.

ثالثاً وقتی مردم انتخاب کردند باید مطمئن باشند که خواست‌های آنان قابل تحقق است و موانع پیش‌روی عملی شدن آن خواست‌ها برداشته خواهد شد.

رابعاً اعتماد مردم به این که مصالح ملی مد نظر است و برنامه و تدبیر برای تأمین یک زندگی خوب برای همه بخش‌ها و افراد و کم کردن هزینه‌های زندگی و افزودن بر فواید آن وجود دارد و برای عملی شدن آن تلاش خواهد شد جلب شود.

با این که علی‌الظاهر همه خیرخواهان، از رأس نظام تا بخش‌های فرودین آن می‌خواهند که انتخاباتی پرشور و پررونق برگزار شود و بر آن نیز تأکید می‌شود، متأسفانه فشارهایی هست که در عمل تحقق این خواست را دشوار یا منتفی می‌کند.

آنچه اینک گفتنی است (فعلاً در مورد انتخابات شوراهای) اولاً عدم استقبال از نامزدی در انتخابات که در پاره‌ای موارد حتی تعداد نامزدها برابر تعداد اعضاء شورا نیست، نشانه روشنی است بر دلسردی جامعه، هم در رأی دهندگان و هم رأی گیرندگان.

ثانیاً ترکیب هیأت‌های اجرایی و نیز گزارش‌هایی که بعضی مراکز دولتی اطلاعاتی درباره افراد می‌دهند، نگرانی را نسبت به حذف گسترده در همین مراحل اول بیشتر می‌کند. در حالی که در هر دو مورد یاد شده بالا دولت محترم اگر نه صددرصد، می‌توانست و می‌تواند به گونه‌ای دیگر عمل کند. ظاهراً در این دوره (مثل بعضی از دوره‌های گذشته) بنا بر این است که لایه‌های ابتدایی‌تر و اولیه اجرایی انتخابات طوری عمل کنند که کار لایه‌های بالاتر نظارت و مراکز تصمیم‌گیری که علی‌القاعده

ناروادارتر و سخت‌گیرترند در ایجاد محدودیت‌ها آسان‌تر شود. از دولت انتظار می‌رود که در این مورد بهتر عمل کند. البته به نظر می‌رسد که در مورد انتخابات ریاست جمهوری مشکلات بیشتری وجود دارد.

امیدوارم خداوند منان همه ما را در شناخت وظایف سنگینی که بر عهده داریم و انجام آن در جهت خیر کشور و مردم موفق بدارد.

برای خواهران گرانقدر، اعضاء محترم جمعیت زنان مسلمان نواندیش و شرکت کنندگان در همایش این جمعیت در آشنایی، روشنگری و کامروایی در همه عرصه‌ها آرزو می‌کنم.

سید محمد خاتمی

فروردین ۱۴۰۰